

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۹ آذر ماه ۱۳۹۶

عنوان: از ذهن معمار تا ذهن مخاطب - هنر ارائه علمی

سخنرانان و اعضای پنل: خانم مهندس مریم هوش‌ور و آقای دکتر آرش شریفی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

سخنران اول: خانم مهندس مریم هوش‌ور

در عصر ارتباطات درباره روش‌های برقراری ارتباطات هنوز هم سوال وجود دارد. به نظر می‌رسد ما برای روش‌های برقراری ارتباط بین ذهن خودمان به عنوان معمار و مخاطب‌مان (هر کسی که هست) شاید احتیاج داشته باشیم با شیمیمی بیابیم؛ دلیل اینکه این موضوع را برای جلسه امروز انتخاب کردم این است که احساس کردم الان زمانی است که این موضوع باید مطرح شود و درباره آن بحث شود. من و همسرم حدود ۱۰ سال پیش برای ادامه تحصیل از کشور خارج شده و به کشوری که شاید فضای علمی و شیوه‌های پژوهشی‌شان با ما متفاوت بود رفتیم. در ابتدا اتفاقی‌هایی افتاد که آرزو می‌کردم ای کاش در مملکت ما هم پیش می‌آمد. چرا نیست؟ ۱۰ سال را با چرا جلو رفتیم، همیشه در محافل این پرسش مطرح بود که ما دانش این کار را داریم. اتفاقات و حرف‌هایی که زده می‌شد خیلی پیچیده نبود. ولی چرا ما در مملکت خودمان نمی‌توانیم این بحث‌ها و کارها را انجام دهیم. چرا در محافل بین‌المللی نیستیم و چهره‌ای از کشورمان وجود ندارد. شاید اشکال از ماست. از محتوا که نمی‌تواند باشد. فرق ما با کشورهای دیگر چیست؟ احساس کردم شاید فرق ما ابزارمان، روش‌مان یا دانش‌مان باشد و یا چیزی این میان هست که باعث می‌شود ما دیده نشویم.

من خیلی شخصی با این قضیه برخورد کردم و برای من بسیار جای سوال است که چرا ما دیده نمی‌شویم؟ چطور معمارهای ما کلی زحمت می‌کشند، در جلسات حرف‌هایشان را می‌زنند، ولی اتفاقی نمی‌افتد. خیلی چیزها می‌تواند دخیل باشد. البته بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم که ما هم دیده نمی‌شویم. این اتفاق به نظر من بصورت بین‌المللی دارد اتفاق می‌افتد. که ما جایی وجود نداریم. حتی در مرز بین خودمان، وقتی نگاه می‌کنیم ما معمارها حرف‌های دیگر را خوب درک نمی‌کنیم، مولد نیستیم. خط و نشان ما در هیچ جایی ثبت نمی‌شود. من احساس می‌کنم ما در اینجا و در مجامع بین‌المللی دچار بحران هستیم. نه فقط معماری ایرانی بلکه معمار و معماری دارد به انزوا می‌رود. معماری دارد از عرصه خارج می‌شود. آیا به این خاطر است که دیگر به معمار و معماری احتیاج نداریم؟ آیا سیستم تجارت پول در حال تغییر است؟ قطعاً اینها موثر هستند. ولی آیا واقعاً به اندازه کافی کاری را هم که حضور داشته باشیم انجام داده‌ایم یا نه؟ اینها پرسش‌هایی بود که به نظرم انجام ندادیم. آیا آنچه که در ذهنمان است را درست منتقل می‌کنیم یا نه؟ آیا این کار را خوب بلد هستیم یا نه؟

به نظر می‌رسد مشکلاتی داریم. یکی از مشکلات ما این است که حرف‌های ما به نسل بعد منتقل نخواهد یافت چون نسل‌ها نیازهایشان تغییر می‌کند، توانمندی‌هایشان برای پذیرش عوض می‌شود. زبان‌شان تغییر می‌یابد. اگر ما نتوانیم ارتباط برقرار کنیم. کلاً امتداد نسل معمار به خطر خواهد افتاد. به عنوان مثال شروع به بهانه‌گیری می‌کنیم که عمرانی‌ها حرف ما را نمی‌فهمند، تأسیساتی‌ها حرف ما را نمی‌فهمند. مقاله می‌نویسم هیچ کس ادبیات ما را نمی‌فهمد. شروع می‌کنیم به تولید کلمه، شیوه ارائه، تصاویر و یا حتی وقتی شروع می‌کنیم به درست کردن sheet معماری، شیت‌های معماری تبدیل به یک سری چیزهایی که حتی خواندن آنها برای همگان میسر نیست، می‌شود. چرا می‌گوییم اگر این کار را انجام دهیم منزوی می‌شویم؟ ما در رشته معماری و بعضی از تخصص‌هایمان به شدت داریم به راه جدا شدن از هم می‌رویم، حرف همدیگر را نمی‌فهمیم. به نظر من این فرمولی است که تا نسل بعد امتداد پیدا می‌کند یا نمی‌کند. نقش‌مان هم دارد کمرنگ می‌شود. این فرمولی است که دارد ما را به انقراض می‌برد. وقتی نگاه می‌کنم، می‌بینم مشکل ما ابزار و تکنیک نیست. جوان‌های ما معماری‌هایی هستند که در حال حاضر همه چیز در دسترس آنها قرار دارد و در ایران هم ابزارها و تکنیک‌های خوبی در دسترس معماران می‌باشد.

این نظر که بگوییم افرادی که در کشورهای دیگر هستند اطلاعات‌شان و تکنیک‌هایشان از ما بهتر است و تکنولوژی برتری نسبت به ما دارند، اشتباه است. من اعتقاد دارم اگر فرصتی به ما داده شود که حرف بزنیم در صحبت‌هایمان باید اتفاق خاصی بیفتد.

کاستی‌ها از چه نوعی هستند: کاستی‌های شناختی و آموزشی، چرا یک ارائه انجام می‌شود؟ ارائه موفق چه ارائه‌ای است؟ استانداردهای جهانی برای تهیه و انجام ارائه موفق چیست؟ برداشت و استفاده نادرست از ابزارها، سوء برداشت از قالب شکنی، خلاقیت، سبک آفرینی و یگانگی، فن قصه‌گویی از جایگاه و نقش عوامل بصری، شنیداری، حسی و... برنامه‌ریزی نامناسب در میزان استفاده و انتخاب ابزارهای متفاوت می‌باشد.

کاستی‌های هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری اول نداشتن ساختار و برنامه و دوم فاصله بین محتوا و عنوان است. کاستی‌های هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری نامتناسب بودن و همساز نبودن برنامه و ساختار ارائه با شرایط و نیاز مخاطب و با شرایط محیطی است که انتقال اطلاعات و عکس‌العمل است.

ماهیت ارائه چه چیزهایی می‌تواند باشد؟ ارائه یک زبان است که تابع مجموعه‌ای از قواعد و اصول می‌باشد. زبان وسیله‌ای است برای برقراری ارتباط که نیازمند دانش و مهارت است. فن ارائه را باید مانند هر زبانی آموخت و تمرین کرد.

حالا اشکال کار در کجاست؟ دیده نمی‌شویم چون زبان را نمی‌شناسیم، به نظر من راه حل این قضیه در پذیرفتن وجود کاستی، تعامل به تغییر، دیدن کاستی‌ها با جزئیات، بازآفرینی و تمرین است و منظور از یک ارائه خوب و موفق هم می‌تواند میزان تأثیرگذاری و میزان موفقیت بر روی افراد حاضر باشد. تأثیرگذاری هم می‌تواند خودش به دو بخش ثبت اطلاعات جدید و تغییر و جایگزینی تقسیم کرد. حال ثبت اطلاعات جدید یکی آموزش و دیگری معرفی و تحلیل می‌تواند باشد. تغییر و جایگزین هم به تغییر باوری، تغییر حسی، تصمیم‌سازی، الهام/انگیزه بخشی و پرسش/چالش می‌باشد.

هدف از انجام یک ارائه تأثیرگذار معرفی چیزهای نو، ارائه تحلیل و نظر، آموزش، جذب و سرگرمی می‌باشد. متغیرهای اصلی یک ارائه، ویژگی‌های سخنران (زبان بدن، شیوه بیان، ظاهر، صدا، میزان تسلط به موضوع)، ویژگی‌های شنوندگان (فرهنگی، دانشی، سنی، ترکیب‌بندی) مطلب و محتوا، چیدمان فضایی (کلاسی، آمفی تئاتر، میزگرد و گروه گروه) چه چیزهایی می‌تواند باشد؟

حال به نظر شما کلید اصلی در تهیه و اجرای ارائه موفق در چه چیزهایی است؟ دانستن مهارت‌های اجرایی که مهارت در روان‌شناسی کلام، فن بیان، زبان تصویری که مسیر به ذهن مخاطب را کوتاه می‌کند. تمرین کردن هم بسیار مهم باشد. شناخت کامل متغیرها که پرسش صحیح و شناخت وسیع و عمیق روی متغیرها، مدیریت و برنامه‌ریزی و کنترل کارآمد برای ارسال پیام موثر را ممکن می‌سازد.

باید سعی کنیم پرسشگران خوبی باشیم. قبل از اجرای هر ارائه از خودمان بپرسیم آیا خودم به اندازه کافی به حرفم باور و علاقه دارم؟

سخنران دوم: آقای دکتر آرش شریفی

در سخنرانی خانم مهندس هوشور درباره یک سری از معضلات عمومی یک ارائه و سخنرانی صحبت شد که طرز تفکر چگونه باید باشد. در این بخش من کمی عملی‌تر به شما نشان خواهم داد، برای شروع راجع به یک موضوع خاص و دو ارائه کاملاً متفاوت در خدمت شما هستم و به دو شکل به شما معرفی خواهم کرد که شامل تمام آن اشتباهاتی هست که به صورت رایج در سخنرانی‌ها صورت می‌گیرد. من مجموع اینها را در یک سخنرانی ارائه می‌دهم. شاید شما فکر کنید کمی اعراق‌آمیز باشد ولی واقعیت دارد و خیلی از اشکالات را در سخنرانی‌ها می‌بینیم. سخنرانی دوم درباره همان موضوع ولی با شیوه بسیار متفاوت است. موضوع‌ها سعی شده درباره تخصص این گروه انتخاب شود. امیدوارم در انتها اطلاعات خوبی را به شما بدهد. اگر یک ارائه خوب باشد چقدر می‌تواند به افراد کمک کند و اگر ارائه ضعیف باشد حاضرین در جلسه چقدر کسل می‌شوند.

موضوع تعیین شده درباره تعیین و تعریف مناطق ساحلی می‌باشد. یک بحث کاملاً تخصصی و زیست محیطی است. کشورهایی که دارای خط ساحلی هستند بسیار روی این قضیه حساس می‌باشند. هر دو سخنرانی مبنایش این است که ظرف مدت ۵ دقیقه ارائه شود. پس من باید تلاش کنم ظرف این مدت صحبت‌های خودم را به مخاطب منتقل کنم. این توضیحاتی بود که باید در ابتدا دو ارائه برای شما بزرگواران می‌دادم. **ارائه اول:** آرش شریفی هستم امروز در خدمت شما هستم تا درباره منطقه ساحلی ارائه‌ای را خدمت شما دوستان داشته باشم. قبل از اینکه ارائه را شروع کنم، می‌خواستم درباره اهمیت مناطق ساحلی صحبت کنم. سال ۱۳۷۹ من در یک مجموعه مشغول به کار بودم که وظیفه‌اش تدوین اثر پذیری سرزمین ایران در برابر تغییرات اقلیمی بود. این مجموعه در سازمان محیط زیست بود و زیر نظر مستقیم رئیس جمهور کار می‌کردیم. تلاش بر این بود که میزان آسیب‌پذیری کشور ایران را در برابر تغییر اقلیم ارزیابی کنیم. نتیجه این ارزیابی را به سازمان ملل ارائه دهیم تا جزء برنامه بزرگ‌تری که در نشست کیوتو و نشست‌های بعدی که در شهر پاریس قرار داشت، ارائه شود.

حدود ۲۵ نفر متخصص شروع به انجام دادن این کار کردند که حدود ۳ سال هم طول کشید. نتیجه تمام این فعالیت‌ها به صورت یک گزارش به خانم دکتر ابتکار که آن زمان رئیس سازمان محیط زیست بود ارائه شد. وقتی ما صحبت‌های خودمان را گفتیم و ارائه دادیم، نهایتاً یک پرسش و پاسخی هم انجام شد. زمانی که کار ما به اتمام رسید معاون وزیر راه گفت ما می‌دانیم طرح اقلیم روی جنگل‌ها، منابع آب، روی کشاورزی و... تأثیر دارد. حال من می‌خواهم بدانم که شما به چه اجازه‌ایی این هزینه و انرژی را صرف کردید که اثر تغییر اقلیم را روی خط ساحلی بررسی کنید؟ ما هم گفتیم حدود ۲۵ درصد جمعیت روی خط ساحلی زندگی می‌کنند چرا ما نباید چنین کاری انجام دهیم؟ البته این به این معنی است که بعضی افراد فهم درستی از منطقه ساحلی جنوب ندارند.

برای منطقه ساحلی تعاریف مختلفی وجود دارد. یکی از تعاریفی که برای منطقه ساحلی منطقه‌ای این است که بخشی از خشکی به دلیل نزدیکی به دریا و همچنین بخشی از دریا به دلیل نزدیکی به خشکی روی هم‌دیگر تأثیر می‌گذارند. اگر دقت کنیم این زون آیزی ما و زون دیزی ما می‌شود که این بخش، بخش خطرپذیری می‌باشد.

تعریف دیگری برای منطقه ساحلی هست که بر مبنای یک سری استانداردهای علمی این تعریف را ارائه می‌دهیم، منطقه ساحلی جایی است که خشکی و اقیانوس با هم ملاقات می‌کنند. ولی یک خط معین و مشخص ندارند به خاطر موقعیت و ماهیت پویا که در هر بازه زمانی و مکانی تغییر می‌کند. در نتیجه خیلی نمی‌شود صحبت کرد.

یکی از تعاریفی که راجع به منطقه ساحلی در سال ۱۹۷۲ توسط آقای اِچان ارائه شده است می‌گوید منطقه ساحلی نواری است که سرزمین خشک روی فرایندهای دریایی واقع تأثیر می‌گذارد و یا برعکس بخشی از دریا هست که به دلیل فرایندها روی خشکی تأثیر می‌گذارد. در این تعریف عملاً منطقه ساحلی هر دو بخش خشکی و دریا را شامل می‌شوند.

(در اینجا اعلام شد وقت بنده به اتمام رسید ولی من ادامه بحث خود را انجام می‌دهم)

یکی دیگر از تعاریف در منطقه ساحلی بر مبنای سیاست‌گذاری است که هر کشوری دارد و آن سیاست‌گذاری که منطقه ساحلی را تعریف می‌کند در سال ۱۹۹۶ در مورد یکی از سواحل سریلانکا ارائه شده است. شما یک خطی دارید که این خط میانگین جزر و مد است. از پایین‌ترین،

حد جزر حدود ۲ کیلومتر به خط و به سمت دریا و از بالاترین، حدود ۳۰۰ متر به سمت خشکی، شما به عنوان نوار ساحلی تعریف می کنید. البته این نوار ساحلی در اطراف ورودی رودخانه ها مقداری متفاوت می باشد.

شیوه ای دیگری برای تعیین منطقه ساحلی وجود دارد در این شیوه از درجه ساحلی یا ساحلیت استفاده می کند. حالا این درجه ساحلیت چیست؟ یک منحنی که توضیح نرمالی را در نظر می گیرد که یک بخش آن خشکی و بخش دیگر آن سوی دریا است. براساس آن نیازهایی که وجود دارد و اهمیت آنها، محوری را تعریف می کند. که این محور خصوصیات فیزیکی منطقه است. حد پایینی آب، حد بالایی آب، شرایط رسوب گذاری و یا مناطق بیولوژیک منطقه ساحلی آن بخشی که علف های دریایی است، یا بخشی که لاک پشت ها تخم گذاری می کنند. در منطقه ساحلی آن بخشی را می گیرند که بیشترین همپوشانی و اهمیت را برای ما خواهد داشت.

مناطق ساحلی را باز به غیر از سیستم سیاست گذاری بر مبنای شیب، نوع توپوگرافی و ساختارش، بستر تشکیل دهنده اش و فرآیندهای رسوب گذاری را می توانیم تقسیم کنیم.

زمانی که من باید توضیحات را ارائه می دادم حدود ۵ دقیقه بود ولی زمانی که توضیحات من به پایین رسید حدود ۹ دقیقه طول کشید. دقت کردم خیلی از دوستان وسط کار کسل و خسته شدند و با موبایل هایشان بازی می کردند. حال اگر من به عقب برگردم یک سری ایرادهای اساسی در سخنرانی و ارائه وجود داشت که با هم مرور می کنیم. اگر به پاورپونت دقت کنید می بینیم که از نظر کادربندی و رنگ بسیار ضعیف و خسته کننده می باشد. من سعی کردم یک عکس زیبا بگذارم ولی رنگی بسیار بد انتخاب کردم که خواننده نشود، همچنین در ارائه من از انواع قلم ها استفاده شده است.



حال اگر در نتیجه گیری این مبحث دقت کنید همان طور که تصویر بالا نشان می دهد این ارائه در ۲۰ ژانویه سال ۱۹۹۶ در واشنگتن ارائه شده است. در حالی که من امروز در آذر سال ۱۳۹۶ این سخنرانی و ارائه را انجام دادم که بسیار اشتباه است. من در این ارائه از رنگ بندی و واژه هایی استفاده کردم که شاید در این جمع خیلی از دوستان متوجه این صحبت ها نشوند و اصلاً خوانا نباشد و این جمع الزاماً هیچ آشنایی با آن کلمه ها و جملات ندارند. همچنین آنقدر پراکنده صحبت کردم که شما دوستان شاید متوجه صحبت های من نشده باشید. در خیلی از ارائه ها فقط نام یک منطقه گفته می شود و دیگر هیچ توضیحی داده نمی شود و اگر شنونده اطلاع دقیقی نداشته باشد از کلمات چیزی متوجه نمی شوند. استفاده زیاد از انیمیشن، معمولاً زمان من را می گیرد و یکی از کارهایی که اصلاً خوشایند نیست اینکه از روی فایل پاورپوینت خوانده می شود و خودش به تنهایی نمی تواند ارائه ای دهد. بعضی از دوستان در ارائه ها از قلم ارائه دهنده استفاده می کنند و روی فایل حرکت می دهند که دیگران را کلافه می کند. در بعضی از سخنرانی ها به دلیل استایل های فراوان و کمبود وقت از نشان دادن آنها می گذرند و رد می شوند و گفته می شود که به دلیل کمبود زمان از اینها فعلاً می گذریم. در آخر هم نتیجه گیری که در این ارائه ها می شود معمولاً با سخنرانی ها کاملاً متفاوت است. این نوع سخنرانی ها بسیار با عجله درست شده و بدون هیچ فکر و تمرینی ارائه شده است. این عملاً شیوه ای نیست که یک سخنران بتواند یک ارائه خوب داشته باشد. در بعضی از مواقع در یک جمع علمی شما گزارشی را ارائه می دهد که کارفرما و دیگران از ارائه شما هیچ چیز متوجه نمی شوند.

این‌گونه نباید عمل کرد و یک سری صحبت‌های بسته و گریخته بدون اینکه رویش فکر کرده باشیم را ارائه ندهیم که باعث به هدر رفتن وقت و انرژی شنونده شود.

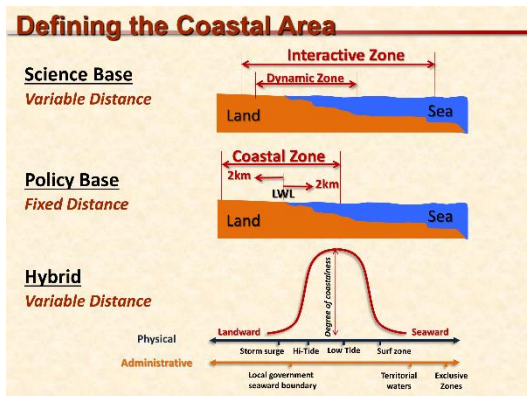
ارائه موفق ارائه‌ای است که وقتی شما صحبت می‌کنید می‌توانید حضور بیننده که با علاقه گوش می‌دهد و باز خورد حصار را ببینید. ارائه موفق ارائه‌ای است که بعد از صحبت شما با سیری از سوالات روبرو شوید. چون جماعتی که نشسته‌اند حرف شما را کاملاً می‌فهمند. مسائلی را که مطرح کردیم کاملاً درک کردند و برایشان سوال پیش آمده است. بسیار مشاهده شده در سخنرانی‌ها وقتی صحبت فرد تمام شده گفته شده اگر سوالی هست پرسید هیچ کس حرفی نمی‌زند و سوالی نمی‌کند چون شنونده از حرف‌های سخنرانان چیزی متوجه نشده است. حال چرا با این معضل روبرو هستیم.

(حالا من همین ارائه را در زمان ۵ دقیقه دوباره شروع به بازگو کردن می‌کنم.)

ارائه دوم: امروز موضوع سخنرانی من تعریف منطقه ساحلی است. وقتی ما در کشوری زندگی می‌کنیم که برنامه‌های توسعه‌ای در منطقه ساحلی داریم و در حدود ۲۵ درصد مردم کشور در خط ساحلی زندگی می‌کنند، تعریف این نوار خیلی اهمیت دارد.

سوال این است که خط ساحلی چیست و چه شکلی می‌باشد؟ ما یک سری تعریف از خط ساحلی داریم و شیوه‌های متفاوتی برای تقسیم‌بندی آنها وجود دارد. یکی از شیوه‌های تعریف کردن خط ساحلی براساس اطلاعات علمی است که از منطقه به دست می‌آید. در این شیوه خط ساحلی ما فواصل متغیری را به خودش اختصاص می‌دهد. شما اگر بخش سرزمینی و بخش دریا را داشته باشید. یک بخش به نام اندرگوش دارید که دریا و خشکی روی همدیگر تأثیر می‌گذارد. یک بخش بسیار پویا داریم که اینجا شما بیشترین بازده تأثیرات را خواهید داشت. بر این مبنا شما می‌آید منطقه ساحلی را در طول نوار ساحلی تعریف می‌کنید.

یک روش دیگر بر مبنای سیاست‌گذاری است که در این روش نوار ساحلی ما فاصله کاملاً ثابت را به خودش اختصاص می‌دهد. یعنی اگر اینجا بخش سرزمین و دریا باشد، حد جزر و مد ۲ کیلومتر به سمت دریا و ۲ کیلومتر به سمت خشکی منطقه نوار ساحلی را تشکیل می‌دهد. روش دیگر روش ترکیبی است که در این روش با توجه به خصوصیات فیزیکی منطقه ساحلی و سیاست‌گذاری‌ها برای هر دولت در هر بازده



زمانی و پروژه‌های خاص اهمیت پیدا می‌کند. شما یک منحنی تو ضیح نرمال را تعریف می‌کنید و حداکثر پوششی که اینجا است درجه ساحلی بودنش را نشان می‌دهد. در زیر این محور هم شما با توجه به مسائلی اقتصادی که وجود دارد، اینها را زیر منحنی توضیح قرار می‌دهیم. هر جا این موارد مختلف با هم، همپوشانی بیشتری داشته باشد. آن نوار، نوار ساحلی خواهد بود. برای تقسیم‌بندی ساحلی هم می‌توان از خصوصیات فیزیولوژیک آن نوار استفاده کرد که شامل ریخت‌شناسی، مترپالی که آن ساحل را تشکیل می‌دهد، شیب و نوع رسوب‌گذاری که می‌توانید با دیدگاه بیولوژیک تقسیم کنید، می‌شود. آیا داخلش منگول داریم یا نه. لاک‌پشت‌ها آنجا تخم‌گذاری می‌کنند یا نمی‌کنند. می‌توانید براساس فعالیت‌های انسانی آنجا را تعریف کنید. یک قسمت می‌خواهیم بندر باشد و

بعضی مواقع سواحل، شما با توجه به حساسیتی که دارند تعریف می‌کنید. بنابراین می‌بینید که هیچ تعریف واحد و شاخصی برای خط ساحلی نداریم. این خط ساحلی بر مبنای این نیاز و آن طرز تفکر برخورد ما خواهد بود.

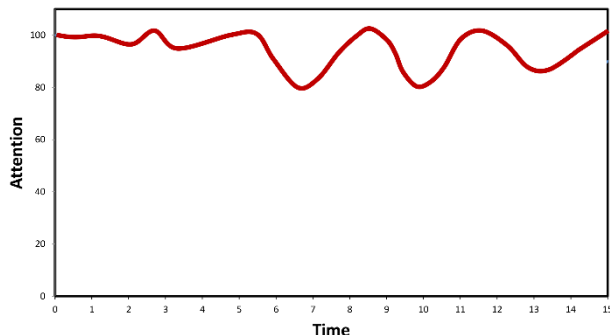
ارائه من حدود ۴ دقیقه طول کشید. و صحبت‌های من جمع شد و توضیح کاملی درباره نوار ساحلی تعریف شد و الان حدود ۱ دقیقه من وقت دارم که توضیحی، نسبت به مطلب ارائه شده بدهم. هر دو مطلب یک چیزی را بازگو کرد. من در اینجا صحبت‌م را چهل نعل انجام ندادم. همان هیجانی را که در سخنرانی اول داشتم در سخنرانی دوم هم داشتم. فقط در سخنرانی دوم سعی شد مدیریت شده باشد. روی این ارائه تمرین کرده بودم. توانستم زمان را رعایت کنم و هیچ حاشیه‌ای هم در سخنرانی دوم انجام نشد.

اهمیت خط ساحلی و فهم آن را برای شما گفتم که در کشور ۲۵ درصد مردم در خط ساحلی زندگی می‌کنند. حالا اگر من بخواهم صحبت‌های وزیر راه را تعریف کنم و یا حضور خانم دکتر ابتکار و حاشیه‌های آن را بازگو کنم هیچ تأثیری روی شما نخواهد داشت شاید به دلیل

اینکه این صحبت‌ها در سخنرانی خیلی جالب نیست و اهمیتی برای نوار ساحلی ندارد. آن چیزی که اهمیت دارد قسمت‌هایی است که در نوار ساحلی زندگی می‌کنند و باید توضیح دهم و قسمت‌های اضافی در سخنرانی حذف شده است.

چرا این اتفاق می‌افتد و سخنرانی نوع اول در کشور ما رایج‌تر است و متأسفانه نوع سخنرانی دوم کمتر مشاهده می‌شود.

Attention Curve



این منحنی توجه شنوندگان است نسبت به میزان توجه در زمان، معمولاً

سخنرانی‌های حرفه‌ای حدود ۱۵ دقیقه می‌باشد. در مجامع علمی شما فکر می‌کنید میزان توجه مخاطبین در طول یک سخنرانی چگونه است؟

به عنوان مثال شما با علاقه به یک سخنرانی رفتید و حدود ۱۵ دقیقه میزانی است که شما به صحبت‌های سخنران دقت می‌کنید، براساس آماری که گرفته شده و کار تحقیقاتی که روی این موضوع انجام شده است این منحنی توجه مخاطبین در طول یک سخنرانی است. یعنی ۲ یا ۳ دقیقه اول که نشسته‌اید توجه می‌کنید. بعد از این زمان اگر سخنران فرد کاذب نباشد میزان توجه شنوندگان افت پیدا می‌کند. مشغول موبایلشان می‌شوند، اگر

کتابی همراه داشته باشند شروع به ورق زدن می‌کنند و سعی می‌کند خودشان را سرگرم کند. نهایتاً مخاطبین با خودشان می‌گویند ما که آمدیم و حدود ۱۰ یا ۱۲ دقیقه هم نشستیم، یک لحظه ببینیم این سخنران راجع به چه موضوعی بحث می‌کند و نتیجه‌گیری نشست چه می‌شود. در آخر جلسه هم حدود ۳ دقیقه گوش می‌دهیم که چه گفته است.

نکته اول اینکه شما به عنوان یک سخنران ۳ دقیقه وقت دارید که توجه شنوندگان را جلب کنید، یعنی اگر در ۳ دقیقه اول مخاطب را جذب کردید آن موقع می‌توانید مخاطب را در حدود ۱۵ دقیقه با حوصله نگه دارید. اگر نتوانید این کار را انجام دهید مخاطب را از دست داده‌اید. حال توقع ما این است که با برنامه‌ریزی صحیح مخاطب را جذب کنیم. یعنی مدام فراز و نشیب داشته باشیم که مخاطب آماده شنیدن جملات ما باشد. اطلاعات خوب به مخاطب بدهیم، که حواسش کاملاً به برنامه باشد و منحنی توجهات او به بالاترین مرحله برسد.

حالا چرا بیشتر سخنرانی‌ها کسالت‌آور است و دوست نداریم آنها را گوش دهیم؟ چرا بعضی سخنرانی‌ها جالب است و شما جذب می‌شوید که کاملاً گوش دهید؟ همچنین کلی سوال برای شما پیش آمده که از سخنران می‌پرسید و یا مثل من در بعضی از سخنرانی‌ها می‌خواهید. اشکال کار کجاست؟ خیلی‌ها معتقد هستند ایراد کار پاورپوینت است، ما اگر یک نرم‌افزار دیگری استفاده کنیم که هیجان را ایجاد کند یا جلوه خاصی داشته باشد این باعث می‌شود مخاطب جذب سخنرانی ما شود. خیلی وقت‌ها به دلیل حجم زیاد اطلاعات شما چیزی متوجه نمی‌شود. حال به نظر شما آیا واقعیت این است که ما مشکل پاورپوینت و نرم‌افزار داریم و اگر این مشکل حل شود سخنرانی خوبی داریم.

یکی از مشکلات نداشتن برنامه‌ریزی و نظم است که شما برای سخنرانی خوب لازم دارید. بسیاری از ما از کامپیوتر استفاده می‌کنیم و سریع تمام عکس‌ها را در یک پاورپوینت آماده کرده و ارائه می‌دهیم که این اشتباه است. ابتدا باید با فکر به موضوع و آوردن مطالبی که نیاز است توضیحی داده شود، پیامی که می‌خواهیم بدهیم چه چیزی است، برای مخاطبینی که دقت‌ر است برایشان صحبت می‌کنیم چه قشری هستند. تحصیلات این افراد در چه مقطعی است و... اینها برنامه‌هایی است که باید در یک سخنرانی به آن بپردازیم و بعد شروع به درست کردن یک پاورپوینت کنیم. خیلی از سخنرانی‌ها در رشته خودمان نیست که باعث مشکل می‌شود.